

باسمه تعالی

۱۰۰ مهارت مورد نیاز برای آزمون‌های زبان (تافل، تویمو و ...)

مراجع: کتاب لانگ من و TOEFL Grammar handbook

تهیه کننده: مهندس رضا سعیدی نیا.

الف: مهارت‌های ساختاری

مهارت ۱: مطمئن باشید که هر جمله یک فاعل و یک فعل دارد

.....was backed up for miles on the freeway.

- (A) Yesterday (B) In the morning (C) Traffic (D) cars

Engineersfor work on the new space program.

- (A) Necessary (B) are needed (C) hopefully (D) next month

The boy going to the movies with a friend.

- (A) He is (B) he always was (C) is relaxing (D) will be

* هر جمله انگلیسی باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد.

مهارت ۲: مفعول به حرف اضافه، کلمه یا ضمیری است که بعد از یک حرف اضافه مثل in, at, of, to, by, behind, on,... و می‌آید. اگر یک کلمه مفعول به حرف اضافه باشد نمی‌تواند فاعل باشد.

With his friend found the movie theater.

- (A) Has (B) he (C) later (D) when

مهارت ۳: به بدل دقت کنید.

یک بدل کلمه‌ای است که قبل از کلمه دیگری می‌آید و معمولاً با کاما از کلمه جدا می‌شود. اگر یک کلمه بدل باشد نمی‌تواند فاعل باشد. ساختار بدل بصورت زیر است:

۱) Tom, a really good mechanic, is fixing the car.

فاعل بدل فعل

۲) A really good mechanic, Tom is fixing the car.

بدل فاعل فعل

....., George, is attending the lecture.

- (A) Right now (B) Happily (C) My friend (D) Because of the time

مهارت ۴: به حال استمراری دقت کنید.

حال استمراری شکل -ing فعل می‌باشد. حال استمراری می‌تواند: (۱) قسمتی از فعل باشد. (۲) صفت باشد. وقتی که با شکل فعل be همراه باشد قسمتی از فعل است و وقتی که با فعل be همراه نباشد صفت است.

The child playing in the yard is my son.

- فاعل صفت فعل
(A) Now (B) is (C) he (D) was

The man is talking to his friend.

فاعل فعل

The man talking to his friend has a beard.

فاعل صفت فعل

The boy is standing in the corner.

فاعل فعل

The boy standing in the corner was naughty.

فاعل صفت فعل

مهارت ۵: به حالت سوم فعل (PP) دقت کنید.

حالت سوم فعل اغلب با -ed خاتمه می‌یابد، اما حالت سوم فعل غیر رایج نیز وجود دارد. برای فعل‌های زیادی شامل -ed گذشته ساده، استمراری و بعید مثل هم است و می‌تواند باعث ابهام شود. شکل -ed فعل می‌تواند: (۱) گذشته ساده باشد (۲) گذشته استمراری باشد. (۳) صفت باشد.

- (۱) She painted this picture.
 (۲) She has painted this picture.
 (۳) The picture painted by Karen is now in a museum.

The packages Mailed at the post office will arrive Monday.

فاعل صفت فعل
 (A) Have (B) were (C) them (D) just

مهارت ۶: اتصال دهنده‌های هماهنگی را به درستی استفاده کنید. وقتی که دو شبه جمله در یک جمله انگلیسی استفاده می‌شوند، باید دو شبه جمله را به درستی به هم متصل کنید. یک روش اتصال دو شبه جمله استفاده از: and, but, or, so یا yet می‌باشد.

S V, coordinate connector S V
 She laughed, but she wanted to cry.

Tom is singing, and Paul is dancing.

Tom is tall, but Paul is short.

Tom must write the letter, or Paul will do it.

Tom told a joke, so Paul laughed.

Tom is tired, yet he is not going to sleep.

A power failure occurred, The lams went out.

(A) Then (B) So (C) later (D) next

مهارت ۷: اتصال دهنده‌های قید زمان و علت را به درستی استفاده کنید.

S V, adverb connector S V

Tersa went inside because it was raining.

Adverb connector S V, S V
Because it was raining, Tersa went inside.

اتصال دهنده علت			اتصال دهنده قید زمان		
As	now that	because	After	as soon as	once
			When	as	before
Since	in as much as		Whenever	as long as	by the time
			Until	while	

..... was late, I missed the appointment.

(A) I (B) because (C) the train (D) since he

مهارت ۸: سایر اتصال دهنده‌های قیدی را بدرستی استفاده کنید.

مقایسه شرط	مکان	حالت	مقایسه
If	Where	AS	Although
In case	whenever	In that	Even though
Provided			Though
Providing			While
Unless			Whereas
Whether			

S V adverb connector S V

Bob went to school even though he felt sick

Adverb connector S V, S V
Even though he felt sick, Bob went to school.

نکته: اغلب در وسط جمله با استفاده از اتصال دهنده مقایسه کاما می‌آید.

The smith family arrived at ۲:۰۰, while the Jones family arrived an hour later.

مهارت ۹: اتصال دهنده‌های عبارات اسمی ره به درستی استفاده کنید. یک عبارت اسمی، عبارتی است که شبیه یک اسم عمل می‌کند. یک عبارت اسمی می‌تواند نقش فاعل جمله، مفعول یک فعل، یا مفعول به حرف اضافه باشد.

What, when, where, why, how.

Whatever, whenever, whether, if, that

S V عبارت اسمی به عنوان مفعول
I know what you did.

عبارت اسمی به عنوان فاعل V
What you did was wrong.

فعل فاعل اتصال دهنده

..... was late caused many problems.

(A) That he (B) The driver (C) there (D) because

I know when he will arrive.
 عبارت اسمی در نقش مفعول فعل فاعل

I am concerned about when he will arrive.
 عبارت اسمی در نقش مفعول به حرف اضافه فعل فاعل

مهارت ۱۰: عبارت اسمی متصل دهنده/فاعل را به درستی استفاده کنید.

گاهی اوقات یک اتصال دهنده عبارت اسمی فقط یک اتصال دهنده نیست. یک اتصال دهنده عبارت اسمی می‌تواند بطور همزمان فاعل عبارت نیز باشد.

عبارت اسمی در نقش مفعول

I do not know what is in the box.
 فعل فاعل عبارت اسمی و اتصال دهنده

عبارت اسمی در نقش مفعول به حرف اضافه

We are concerned about who will do the work.
 فعل فاعل و اتصال دهنده

عبارت اسمی در نقش فاعل

Whoever is coming to the party must bring a gift.
 فعل فاعل و اتصال دهنده

فاعل/اتصال دهنده عبارت اسمی		
Who	What	Which
Whoever	Whatever	whichever

S V فاعل/اتصال دهنده V
 I know what happened

عبارت اسمی در نقش فاعل

What happened was great.
 S V V

مهارت ۱۱: اتصال دهنده‌های عبارات اسمی توصیفی را به درستی استفاده کنید. یک عبارت صفت، عبارتی است که یک اسم را توصیف می‌کند. چون عبارت صفت است، مستقیماً بعد از اسم می‌آید.

The woman is filling the glass that she put on the table.
 S V عبارت توصیفی

The glass that she put on the table contains milk.
 فاعل عبارت توصیفی فعل

اتصال دهنده‌ی عبارت توصیفی		
Whom (برای انسان)	Which (برای اشیاء)	That (برای اشیاء و انسان)
S V	adjective connector	S V
I liked the book	which	you recommended.
S	adjective connector	S V
The book	which	you recommended was interesting.

نکته: در گفتار انگلیسی معمول است که اتصال دهنده نادیده گرفته شود البته در نوشتار زیاد نیست.

مهارت ۱۲: اتصال دهنده/فاعل عبارت اسمی توصیفی را درست استفاده کنید. در بعضی حالات اتصال دهنده عبارت اسمی فقط شبیه یک اتصال دهنده نیست و می‌تواند فاعل عبارت بطور همزمان باشد.

The **woman is filling** the glass **that is** on the table.

S V S V عبارت توصیفی

The **glass that is** on the table **contains** milk.

S S V عبارت توصیفی S

اتصال دهنده/ فاعل عبارت اسمی			
Whom (برای انسان)	Which (برای اشیاء)	That (برای اشیاء و انسان)	
S	V	adjective connector/Subject	V
She needs a secretary	who		types fast
S	adjective connector/ S	V	V
A secretary	who	types fast	is invaluable.

مهارت ۱۳: عبارات اسمی کاهش یافته را به درستی استفاده کنید. عبارات توصیفی می‌توانند به شکل کاهش یافته ظاهر شوند. در شکل کاهش یافته، اتصال دهنده عبارت توصیفی و فعل **be** که مستقیماً بعد از آن می‌آید حذف می‌شود.

The woman ~~who is~~ waving to us is the tour guide.

The letter ~~which was~~ written last week arrived today.

The pitcher ~~that is~~ on the table is full of iced tea.

اگر فعل **to-be** وجود نداشته باشد، باز هم کاهش امکان‌پذیر است. در این حالت اتصال دهنده حذف می‌شود و فعل به حالت **ing** تغییر می‌یابد.

I don't understand the article which appears in today's paper. → I don't understand the article appearing in today's paper.

همه عبارات اسمی توصیفی قابل کاهش نیستند. فقط عباراتی قابل کاهش هستند که اتصال دهنده مستقیماً قبل از فعل باشد. به عبارت دیگر اتصال دهنده فاعل نیز باشد.

The woman that I just met is the tour guide. (قابل کاهش نیست)

The letter which you sent me arrived yesterday. (قابل کاهش نیست)

نکته دیگر اینکه بعضی عبارات توصیفی می‌توانند به ابتدای جمله آورده شوند و با کاما جدا می‌شوند.

The white house, which is located in Washington, is the home of the president.

The white house, located in Washington, is the home of the president.

Located in Washington, the white house is the home of the president.

فرم کاهش یافته عبارات توصیفی	
(BE) (اتصال دهنده/فاعل)	با فعل to-be در عبارت توصیفی
Who which that	
(ing+فعل) (اتصال دهنده/فاعل)	بدون فعل to-be
Who which that	
فقط عبارات اسمی که بعد از اتصال دهنده مستقیماً فعل می‌آید قابل کاهش است.	

مهارت ۱۴: عبارات قیدی کاهش یافته را بدرستی استفاده کنید. عبارات اسمی نیز می‌توانند به فرم کاهش یافته ظاهر شوند. در فرم کاهش یافته اتصال دهنده باقی می‌ماند ولی فاعل و فعل **be** حذف می‌شود.

Although ~~he is~~ rather unwell, the speaker will take part in the seminar.

When ~~you are~~ ready, you begin your speech.

اگر فعل to-be در عبارت قیدی وجود نداشته باشد، باز هم می‌توان آن را کاهش داد. در این حالت فاعل حذف شده و فعل در شکل ing ارائه می‌شود.

Although he feels rather sick, the speaker will take part in the seminar. → Although feeling rather sick; the speaker will take part in the seminar.

همه عبارات قیدی قابل کاهش نیستند و تعدادی از عبارات قیدی فقط می‌توانند به شکل مجهول کاهش یابند.

Once you submit your thesis, you will graduate. (معلوم - کاهش نمی‌یابد)

Once ~~is~~ submitted, your thesis will be reviewed. (مجهول - قابل کاهش)

عبارت اسمی قیدی کاهش یافته					
(Be) (فاعل) (اتصال دهنده قیدی)					با فعل to-be در عبارت قیدی
(ing+ فعل) (فاعل) (اتصال دهنده قیدی)					عبارت قیدی بدون فعل be
علت	مکان	مقایسه	شرط	زمان	
		Although though	If Unless whether	After Before Since while	کاهش یافته در معلوم
as	Where wherever	Although though	If Unless whether	Once Until When whenever	کاهش یافته در مجهول
<p>• برای کاهش یک عبارت قیدی، فاعل را حذف کنید و فعل be را از عبارت قیدی. اگر فعل be نداشتید، فاعل را حذف کنید و فعل را به فرم ing تغییر دهید.</p>					

مهارت ۱۵: فعل و فاعل را در جملات پرسشی برعکس کنید. کلمات پرسشی مثل who, what, when, where, why و how می‌توانند دو نقش داشته باشند:

۱ - در جملات سئوالی: در این حالت فعل و فاعل برعکس می‌شوند.

What is the homework?

When can I leave?

Where are you going?

۲ - نقش اتصال دهنده دو جمله.

I do not know what the homework is.

When I can leave, I will take the first train.

Do you know where you are going?

مهارت ۱۶: فعل و فاعل را در عبارات مکانی تعویض مکان کنید. بعد از ایده‌های توضیح دهنده مکان، گاهی اوقات فعل و فاعل معکوس می‌شوند. این روش بعد از کلمات here, there, nowhere اتفاق می‌افتد.

Here is the book that you lent me.

There are the keys that I thought I lost.

Nowhere have I seen such beautiful weather.

همچنین بعد از عبارات حرف اضافه راجع به مکان، فعل و فاعل می‌توانند معکوس شوند.

In the closet are the clothes that you want.

Around the corner is Sam's house.

Beyond the mountains lies the town where you will live.

مهم است که بدانید که فاعل و فعل بعد از عبارات مکانی در ابتدای جمله معکوس می‌شوند فقط وقتی که عبارت مکانی برای تکمیل جمله ضروری باشد.

In the forest are many exotic birds.

In the forest I walked for many hours.

در مثال اول عبارت in the forest ضروری و در مثال دوم غیر ضروری است.

مهارت ۱۷: فعل و فاعل را در عبارات منفی معکوس کنید. فعل و فاعل همچنین می‌توانند بعد از منفی‌های خاص و عبارات مرتبط معکوس شوند. وقتی که عبارات منفی مثل no, not یا never در ابتدای جمله بیایند فعل و فاعل معکوس می‌شوند.

Not once did I miss a question.

Never has Mr. Jones taken a vacation.

At no time can the woman talk on the telephone.

کلمات خاصی در انگلیسی مثل hardly, barely, scarcely, only شبیه منفی کار می‌کنند. اگر یکی از این کلمات در ابتدای یک جمله بیایند، فعل و فاعل معکوس می‌شوند.

Hardly ever does he take time off.

Only once did the manager issue over time paychecks.

وقتی که یک عبارت منفی در جلوی یک فاعل و فعل در وسط جمله قرار گیرد، فعل و فاعل همچنین معکوس می‌شوند. این اغلب با کلمات منفی neither و nor اتفاق می‌افتد.

I do not want to go, and neither does Tom.

The secretary is not attending the meeting, nor is her boss.

مهارت ۱۸: فعل و فاعل را در جملات شرطی معکوس کنید. در ساختارهای شرطی خاص، ممکن است فعل و فاعل معکوس شوند. این وقتی که فعل کمکی در عبارات شرطی had, should یا were باشد اتفاق می‌افتد و اتصال دهنده if حذف می‌شود.

If he had taken more time, the results would have been better.

Had he taken more time, the results would have been better.

I would help you if I were in a position to help.

I would help you were I in a position to help.

فعل و فاعل‌های معکوس شده در شرطها		
Had	should	were
وقتی که فعل در عبارت شرطی had, should یا were باشد، می‌توان if را حذف کرد و فعل و فاعل را تعویض کرد.		
S V (حذف شده if)		
Were he here, he would help		
می‌توان if را نگه داشت آنگاه فعل و فاعل معکوس نمی‌شوند.		
If he were here, he would help.		

مهارت ۱۹: فعل و فاعل را در مقایسه معکوس کنید. ممکن است بعد از مقایسه جای فعل و فاعل عوض شود. تعویض جای فعل و فاعل بعد از مقایسه اختیاری است.

My sister spends more hours in the office than John.

My sister spends more hours in the office than John does.

My sister spends more hours in the office than does John.

We were more prepared than other performers were.

We were more prepared than were the other performers.

مهارت‌های نوشتاری در TOEFL

مهارت ۲۰: مطمئن باشید که فعل‌های بعد از عبارات اضافی موافق با فاعل باشد.

گاهی اوقات عبارات اضافی بین فعل و فاعل می‌آیند. مراقب باشید فعل و فاعل از لحاظ مفرد و جمع بودن با هم همخوانی داشته باشند.

The key (to the doors) are in the drawer. عدم همخوانی بین فعل و فاعل.

The keys (to the doors) is in the drawer. عدم همخوانی بین فعل و فاعل.

مهارت ۲۱: مطمئن باشید که فعل بعد از عبارات کمی تطابق داشته باشد. یک مشکل تطابق خاص وقتی که فاعل یک عبارت کمی مثل all, most یا some باشد که با حرف اضافه of دنبال شود. در این حالت فاعل (all, most یا some) می‌تواند مفرد یا جمع وابسته به عبارت حرف اضافه of باشد.

All (of the **book**) was interesting. (درست)

All (of the **books**) were interesting. (درست)

All (of the **information**) was interesting.

(درست چون information اسم غیر قابل شمارش است).

تطابق فعل/فاعل بعد از عبارت کمی	
$\left(\begin{array}{c} all \\ most \\ some \\ half \end{array} \right)$	Verb of the (object)
در عبارات کمی فعل باید با مفعول همخوانی داشته باشد.	

مهارت ۲۲: مواظب باشید فعل معکوس شده با فاعل موافق باشد.

Behind the house was* the **bicycles** I wanted. عدم همخوانی بین فعل و فاعل.

Behind the house were* the **bicycle** I wanted. عدم همخوانی بین فعل و فاعل.

فعل‌های معکوس شده باید با فاعل تطابق داشته باشند.	
$\left(\begin{array}{c} سوال \\ منفی \\ مکان \\ شرط \\ مقایسه \end{array} \right)$	+ verb+ Subject

مهارت ۲۳: مطمئن باشید فعل بعد از کلمات خاص تطابق داشته باشد. کلمات خاصی در انگلیسی همیشه از لحاظ گرامری مفرد هستند حتی اگر معنی جمع داشته باشند.

Everybody are going to the theater. عدم همخوانی بین فعل و فاعل

لیست زیر مشخص کننده کلماتی هستند که مفردند ولی معنی جمع دارند.

Anybody	Everybody	Nobody	Somebody
Anyone	Everyone	No one	Someone
Anything	Everything	Nothing	Something
Each + اسم			
Every + اسم			

مهارت ۲۴: ساختارهای موازی را با پیوند دهنده‌های هماهنگ کننده استفاده کنید. وظیفه پیوند دهنده‌های همزمانی (and, or, but) اتصال دو عبارت مشابه به یکدیگر می‌باشد. به عبارت دیگر دو طرف این اتصال دهنده‌ها باید موازی یا مشابه هم باشند. این اتصال دهنده‌ها می‌توانند اسم، فعل، صفت، عبارت، یا عبارات اسمی جزئی یا عبارات اسمی کلی را به هم متصل کنند.

I need to talk to the manager or the assistant manager.

She is not a teacher but a lawyer.

You can choose from activities such as hiking and kayaking.

در زیر مثال‌هایی از اتصال دو فعل را می‌بینید:

He eats and sleeps only when he takes a vacation.

You can stay home or go to the movies with us.

اتصال صفت:

My boss is sincere and nice.

The exam that he gave was short but difficult.

عبارت:

There are students in the classroom and in front of the building.

The papers are on my desk or in my drawer.

عبارت اسمی:

There are not interested in what you say or what you do.

I am here because I have to be and because I want to be.

ساختار مشابه $\left(\begin{matrix} and \\ but \\ or \end{matrix} \right)$ ساختار مشابه
 ساختار مشابه $\left(\begin{matrix} and \\ but \\ or \end{matrix} \right)$ ساختار مشابه, ساختار مشابه, ساختار مشابه

مهارت ۲۵: ساختارهای موازی را با اتصال دهنده‌های زوج شده استفاده کنید.

ساختار موازی با اتصال دهنده‌های زوج شده	
$\left(\begin{matrix} both \\ either \\ neither \\ not\ only \end{matrix} \right)$ ساختار مشابه	$\left(\begin{matrix} and \\ or \\ nor \\ but\ also \end{matrix} \right)$ ساختار مشابه

I know both where you went and what you did.

He wants either to go by train or to go by plane.

He wants to go either by train or by plane.

I want both this book or that one. (غلط)

The tickets are neither in my pocket nor in my purse.

He is not only an excellent student but also an outstanding athlete.

مهارت ۲۶: در مقایسه‌ها از ساختارهای موازی استفاده کنید. مقایسه یا بین شباهت‌ها یا تفاوت‌های دو چیز می‌باشد و باید از ساختار موازی استفاده کرد.

My school is farther than your school.

To be rich is better than to be poor.

Their car is as big as a small house.

ساختار موازی با مقایسه‌ها		
ساختار مشابه	$\left[\begin{matrix} more \dots than \\ -er \dots than \\ less \dots than \\ as \dots as \\ the\ same \dots as \\ similar \dots to \end{matrix} \right]$	ساختار مشابه

مهارت ۲۷: صفت مقایسه‌ای و تفضیلی را به درستی استفاده کنید.

Bob is taller than Ron.
 Sally is more beautiful than Sharon.
 Bob is the tallest man in the room.
 Sally is the most beautiful of all women at the party.
 The spider over there is the largest one that I have ever seen.
 The fastest runner wins the race. (No in, of or that)

مقایسه‌ای: $\left[\begin{array}{l} \text{صفت طولانی} + \text{more} \\ \text{صفت کوتاه} + \text{er} \end{array} \right]$ than

تفضیلی: the $\left[\begin{array}{l} \text{صفت طولانی} + \text{most} \\ \text{صفت کوتاه} + \text{est} \end{array} \right]$ maybe in, of, that

مهارت ۲۸: صفت تفضیلی و مقایسه‌ای را به درستی استفاده کنید.

- مقایسه، دو چیز برابر را مقایسه می‌کند.
- تفضیلی یک چیز را بین چندین چیز می‌سنجد.

The history class is larger than the math class.
 Mary is more intelligent than Sue.
 The history class is the largest in the school.
 Mary is the most intelligent of all the student in the class.

مهارت ۲۹: ساختار -er و -er غیرمتعارف را به درستی استفاده کنید. دو مقایسه موازی که با the معرفی می‌شوند، جزء ساختارهای نامتعارف می‌باشند.

The harder he tried, the further he fell behind.
 The older the children are, the more their parents expect from them.
 The more children you have, the bigger the house you need.
 The harder you work, the more you accomplish.
 The greater the experience, the higher the salary.
 The $\left[\begin{array}{l} -er \\ more \end{array} \right]$ (same structure), the $\left[\begin{array}{l} -er \\ more \end{array} \right]$ (same structure)

این نوع عبارت ممکن است فعل نداشته باشد.

مهارت ۳۰: بعد از have، فعل PP استفاده کنید. اگر فاعل با PP دارید باید have یا has داشته باشید.

My friend sung* in the choir.

باید به صورت زیر باشد:

My friend has sung in the choir.

My friend sang in the choir.

یا

He become* angry at his friend. غلط است باید به یکی از روش‌های زیر باشد.

He became angry at his friend.

He has become angry at his friend.

He had walk* to school → (had walked)

We have see* the show → (have seen)

مهارت ۳۱: بعد از be فعل را بصورت ing یا PP (گذشته کامل) استفاده کنید.

We are do* our homework → (are doing)
 The homework was do* early → (was done)
 Tom is take* the book. → (Is taking)
 The book was take* by Tom. → (Was taken)
 Be+ (۱) present participle
 (۲) Past participle

مهارت ۳۲: بعد از will, would یا سایر modalها فعل را بصورت ساده استفاده کنید.

The boat will leaving* at ۳,۰۰۰. (will leave)
 The doctor may arrives* soon (may arrive)
 The students must taken* the exam. (must take)
 MODAL+ main form of the verb.

مهارت ۳۳: بدانید که چه وقت باید حال را با گذشته استفاده کنید: وقتی که در یک جمله همزمان حال و گذشته استفاده می‌شود اغلب جمله نادرست است.

He took the money when he wants* it. (غلط)
 He took the money when he wanted it.
 He takes the money when he wants it.

اما گاهی اوقات استفاده همزمان گذشته و حال درست است.

I know that he took the money yesterday.

۱. اگر جمله‌ای در گذشته و یک فعل در حال دیدید احتمالاً جمله غلط است.
۲. به هر حال ممکن است که در یک جمله هر دو زمان گذشته و حال را داشته باشیم.
۳. اگر زمان حال و گذشته را با هم در یک جمله دیدید معنی آن را چک کنید تا متوجه شوید که آیا جمله غلط است یا نه.

مهارت ۳۴: have و had را به درستی استفاده کنید. Have + past participle حال کامل و had + past participle گذشته کامل گنج کننده هستند.

حال کامل اشاره به دوره زمانی از گذشته تا کنون دارد:

Sue has lived in los Angeles for ten years.

بنابراین استفاده از آن در جمله‌ای که فقط در گذشته اتفاق افتاده است غلط است.

At the start of nineteenth century, Thomas Jefferson has become* president of the US.

این در گذشته اتفاق افتاده و تمام شده است پس جمله غلط است.

گذشته کامل اشاره به دوره زمانی که در گذشته شروع شده و تمام شده است دارد. قبل از اینکه اتفاقی در گذشته اتفاق افتاده باشد.

Sue had lived in los Angeles for ten years when she moved to Sandiego.

Have+ P.P	گذشته تا کنون	نباید با زمان گذشته استفاده باشد بجز اینکه عبارت since جزئی از جمله باشد.
Had + P.P	گذشته دور تا گذشته	نباید با زمان حال استفاده شود

مهارت ۳۵: با عبارات زمانی، زمان درست را استفاده کنید.

We moved to New York in ۱۹۷۰.

We had left there by ۱۹۸۰.

We have lived in San Francisco since ۱۹۸۲.

She got a job two years ago.

She started working last week.

She has worked very hard lately.

گذشته کامل (بعید)	گذشته ساده	حال کامل (نقلی)
By (۱۹۲۰)	(two years) ago Last (year) In (۱۹۲۰)	Since (۱۹۲۰) lately

مهارت ۳۶: زمان صحیح را با will, would استفاده کنید.

I know that they will arrive soon.
It is certain that he will graduate.
I knew that he would arrive.
It was certain that he would graduate.

استفاده	معنی	فعل
با گذشته استفاده نشود.	بعد از حال	Will
با حال استفاده نشود.	بعد از گذشته	Would

مهارت ۳۷: فرم مجهول را درست استفاده کنید.

۱. The portrait was painting* by a famous artist. (was painted)
۲. The project will finished* by Tim. (will be finished)

فرم مجهول = (by+ object) past participle Be+

مهارت ۳۸: معنی مجهول و معلوم را تشخیص دهید. وقتی که بعد از فعل مفعول وجود ندارد (با یا بدون by)، باید به معنی جمله دقت کرد تا تشخیص دهیم که آیا فعل معلوم است یا مجهول.

We mailed the package at the post office.
The letter was mailed by us today before noon.
The letter was mailed today before noon.
The letter mailed* today before noon.

معنی معلوم و مجهول	
معلوم	فاعل کننده عمل فعل است.
مجهول	فاعل عمل فعل از دریافت می کند

مهارت ۳۹: اسامی مفرد یا جمع را به درستی استفاده کنید.

On the table there were many dish* .
The lab assistance finished every tests* .

کلمات کلیدی برای اسامی مفرد و جمع	
برای اسامی مفرد	A, one, single, every, each
برای اسامی جمع	Several, many, two, both, various

مهارت ۴۰: اسامی قابل شمارش را از غیر قابل شمارش تشخیص دهید.

کلمات قابل شمارش می توانند با کمیت‌های one, two یا hundred و غیره بیابند.
اسامی غیر قابل شمارش برای کمیت‌های نامشخص استفاده می شوند مثل milk, happiness. اغلب مایعات مثل water, oil shampoo اسامی غیر قابل شمارش هستند. همچنین ایده‌های ضمنی مثل security, friendship, hope غیر قابل شمارش هستند.

He has seen much* foreign films. (قابل شمارش)

He didn't have many* fun at the movies. (غیر قابل شمارش)

کلمات کلیدی برای اسامی قابل شمارش یا غیر قابل شمارش	
Fewer, few, number, many	برای اسامی قابل شمارش
Less, little, amount, much	برای اسامی غیر قابل شمارش

مهارت ۴۱: اسامی جمع غیر رایج را تشخیص دهید.

جمع غیر رایج	
Goose/geese; foot/feet; man/men; mouse/mice; tooth/teeth; woman/women	تغییر صدا
Ox/oxen; child/children	+EN
Trout/trout; salmon/salmon; deer/deer; sheep/sheep; fish/fish	شبیبه مفرد
Crisis/crises; diagnosis/diagnoses; analysis/analyses; hypothesis/hypotheses; axis/axes; parenthesis/parentheses; thesis/theses	-is→-es
Datum/data; bacterium/bacteria; curriculum/curricula; criterion/criteria; phenomenon/phenomena	خاتمه با -a
Fungus/fungi; alumnus/alumni; bacillus/bacilli; stimulus/stimuli; syllabus/syllabi; nucleus/nuclei; cactus/cacti; radius/radii	-us→-i

مهارت ۴۲: بین افراد و اشیاء تمایز قائل شوید.

Ralph Nader is an authorization* in the field of consumer affairs. (Authorization → authority)

There are many job opportunities in accountant* . (Accountant → accounting)

مهارت ۴۳: ضمائر فاعلی و مفعولی را تشخیص دهید.

فاعلی	مفعولی
I	Me
You	You
He	Him
She	Her
It	It
We	Us
they	them

Sally gave the book to John → she gave it to him

Him* and the girl are going shop. (him → he)

The gift was intended for you and I* . (I → me)

مهارت ۴۴: بین صفات ملکی و ضمائر تمایز قائل شوید. یک صفت ملکی یک اسم را توصیف می‌کند و باید با اسم خاتمه یابد. یک

ضمیر ملکی به جای اسم می‌آید و نمی‌تواند با اسم دنبال شود.

They lent me their book.

They lent me theirs.

Each morning they read theirs* newspapers. (their)

Could you give me your* ? (yours)

صفت ملکی	ضمیر ملکی
قبل از اسم بیاید	با اسم نیاید
My	Mine
Your	Yours
His	His
Her	Hers
its	-
Our	Ours
Their	theirs

مهارت ۴۵: مرجع ضمیر را چک کنید تا مطابق باشد.

The boys will cause trouble if you let him * . (theirs)

Everyone must give their * name. (his or her)

۱. مطمئن شوید که هر ضمیر با اسم مورد رجوعش مطابق باشد.

۲. معمولاً باید برای تطابق به سمت عقب را چک کنید.

مهارت ۴۶: صفات و قیده‌های پایه را به درستی استفاده کنید. صفات و قیده‌ها استفاده متفاوت دارند. صفات فقط یک کار دارند: آنها فقط اسامی یا ضمائر را توصیف می‌کنند.

She is a beautiful woman.

She is beautiful.

قیده‌ها سه کار متفاوت دارند: آنها افعال، صفات یا سایر قیده‌ها را توصیف می‌کنند.

She sings beautifully. (توصیف فعل)

She is a beautifully dressed woman. (توصیف صفت)

She could run very quickly. (توصیف قید)

She is a truly beautifully dressed woman. (توصیف قید، صفت)

It was a cleverly planned operation. (توصیف صفت)

استفاده پایه از قیده‌ها و صفات	
صفات	صفات اسامی یا ضمائر را توصیف می‌کنند.
قیده‌ها	قیده‌ها، افعال، صفات یا قیده‌های دیگر را توصیف می‌کنند.

نکات: (الف) تکرر قیود با -ly خاتمه می‌یابند.

(ب) بعضی کلمات مثل *hard, late, fast* حالت قید و صفتشان یکی است.

(ج) قید برای صفت *well, good* می‌باشد.

مهارت ۴۷: بعد از افعال پیوند (linking verbs) صفت استفاده کنید. معمولاً بعد از یک فعل مستقیماً قید می‌آید زیرا قید فعل را توصیف می‌کند.

She spoke nicely. (توصیف فعل)

ولی بعد از یک فعل پیوند صفت می‌آید.

She looks nice. (توصیف ضمیر)

دقت کنید صفتی که با فعل پیوند می‌آید لزوماً مستقیماً بعد از فعل نمی‌آید.

He seems unusually nice.

He feels bad.
The soup smells delicious.
She looked nervous before the test.

صفات و قیده‌ها بعد از افعال
قید + فعل معمولی + فاعل
صفت + فعل پیوند + فاعل
صفت + قید + فعل پیوند + فاعل
افعال پیوند:
Seem, feel, appear, smell, look, be, taste, sound, prove, become

مهارت ۴۸: صفات و قیود را به درستی مکان‌یابی کنید.

Recently he has taken an English course.
He has recently taken an English course.
He has taken an English course recently.
The important information is on the first page.

مکان قیده‌ها و صفات	
صفات	یک صفت یک کلمه‌ای قبل از اسم می‌آید و مستقیماً بعد از اسم نمی‌آید.
قیده‌ها	قید می‌تواند در مکان‌های زیادی بیاید ولی قید نمی‌تواند بین فعل و مفعول آن بیاید.

He has taken recently* an English course. (غلط بین فعل و مفعول)
The information important* is on the first page. (غلط صفت بعد از اسم نمی‌آید)

مهارت ۴۹: صفات -ly را تشخیص دهید. معمولاً وقتی که یک کلمه با -ly در انگلیسی خاتمه می‌یابد یک قید است. بهر حال کلمات کمی با -ly خاتمه می‌یابند که صفت هستند.

The manager turned in his weekly report.

صفات های -ly			
Costly	Likely	Daily	Quarterly
Early	Lively	Hourly	Weekly
Friendly	Lonely	Monthly	Yearly
Kindly	Manly	Nightly	Lovely
northerly	easterly	southerly	westerly

مهارت ۵۰: صفات مسندی را به درستی استفاده کنید. صفات خاصی فقط در انتهای جمله می‌آیند و بعد از فعل‌های پیوند مثل be ظاهر می‌شوند و نمی‌توانند در جلو اسم مستقیماً قرار گیرند.

The snake on the rock was alive.
The alive* snake way lying on the rock.

صفات انتهایی مسندی	
صفات انتهایی	شکل قابل استفاده در جلو اسم
Alike	Like, similar
Alive	Live, living
Alone	Lone
Afraid	Frightened
asleep	sleeping

مهارت ۵۱: صفات -ed و -ing را به درستی استفاده کنید. فعل‌های منتهی شده به -ed یا -ing می‌توانند به عنوان صفت استفاده شوند.

The woman cleans the car.

The cleaning woman worked on the car.

The woman put the cleaned car back in the garage.

صفات با ing برای فاعل و ed برای مفعول استفاده می‌شوند.

صفات -ing و -ed		
-ing	معلوم	عمل فعل را انجام می‌دهد.
-ed	مجهول	عمل فعل را دریافت می‌کند.

مهارت ۵۲: با اسامی مفرد حرف تعریف (article) استفاده کنید. اگر یک اسم جمع قابل شمارش یا غیر قابل شمارش باشد می‌توان برای معین از حرف the و بدون حرف the برای نامعلوم استفاده کرد. با همه اسامی مفرد قابل شمارش، شما باید یک حرف استفاده کنید. (مگر اینکه از تعیین کننده‌های دیگری مثل my یا each استفاده شده باشد).

I have money.

I have books.

I have a book.

یک اسم مفرد باید یک حرف (a, an, the) یا نوع دیگری از تعیین کننده‌ها مثل my یا each استفاده کرد.

مهارت ۵۳: بین a و an تمایز قائل شوید. A با اسامی بی صدا و an با اسامی صدادار که با حروف صدادار (a, e, i, u, o) شروع می‌شوند استفاده می‌شود.

A book.

A man

A page

An orange

an illness

an automobile

دو استثنا برای U, H داریم. وقتی که U صدای یو دارد با a استفاده می‌شود و وقتی که h تلفظ نشود با an می‌آید.

A university

A unit

A hospital

A heart

an unhappy man

an understanding

an honor

an herb

مهارت ۵۴: مطمئن شوید که حروف با اسامی مطابقت دارند. هرگز نباید a یا an را با اسامی جمع استفاده کنید.

He saw a ^{*} new movies.

They traveled to a ^{*} nearby mountains.

Do you have another ^{*} books?

He saw a new movie. (مفرد)

He saw new movies. (جمع)

They traveled to a nearby mountain. (مفرد)

They traveled to nearby mountains. (جمع)

Do you have another book? (مفرد)

Do you have other books? (جمع)

مهارت ۵۵: ایده‌های عمومی و خاص را تشخیص دهید. با اسامی قابل شمارش مفرد معین می‌توان از the استفاده کرد و بدون the برای نامعین.

Tom will bring the book tomorrow. (یک کتاب مشخص)
 He will arrive on the first Tuesday in July. (فقط یک سه شنبه اول در ژولای وجود دارد)
 He sailed on the Pacific Ocean. (فقط یک اقیانوس آرام داریم)
 Tom will bring a book tomorrow. (یکی از چند کتاب)
 He will arrive on a Tuesday in July. (۴ سه شنبه در ژولای داریم)
 He sailed on an Ocean. (در هر کدام از اقیانوس‌های دنیا)

مهارت ۵۶: حروف اضافه غلط را تشخیص دهید.

The game was called on* because of rain. (on → off)
 I knew I could count in* you to do a good job. (in → on)

مهارت ۵۷: تشخیص دهید که چه موقع حرف اضافه حذف شده است. گاهی اوقات یک حرف اضافه ضروری حذف شده است.

Can you wait* me after the game? (wait for)
 I plan* attending the meeting. (plan on)

مهارت ۵۸: بین do و make تمایز قائل شوید. Make ← ایجاد، do ← تکمیل کردن یا انجام دادن

She likes to make her own clothes.
 If you make a mistake, you should correct it.
 This morning she did all the dishes.
 The students are doing the assignment.

مهارت ۵۹: بین like, alike, unlike تمایز قائل شوید.

John and Tom are alike.
 John and Tom worked in a like manner.
 John is like Tom. (حرف اضافه)
 John is unlike Tom. (حرف اضافه)
 Like Tom, John is tall.
 Unlike Tom, John is tall.

Like, unlike, alike			
استفاده	معنی	گرامر	
Like قبل از اسم می‌آید و alike بعد از فعل پیوند	مشابه	صفت	Like, alike
حرف اضافه است و با یک مفعول می‌آید در هر جای جمله.	مشابه متفاوت	حرف اضافه	Like unlike

مهارت ۶۰: بین other, another, others تمایز قائل شوید.

جمع	مفرد	
I have other books. I have others.	I have another book. I have another.	نامعین
I have the other books. I have the others.	I have the other book. I have the other.	معین

باید در این جملات سه چیز را مد نظر قرار دهید.

- جمع یا مفرد بودن
- معین و نامعین بودن (a, the)

۳. صفت بودن (با اسم ظاهر می‌شود) یا ضمیر بودن که بصورت مجزا استفاده می‌شود.

ج) مهارت‌های گرامری

مهارت ۶۱: قیدهایی شبیه **only** تا حد امکان نزدیک صفات، افعال یا سایر قیودی که آنها را اصلاح می‌کنند می‌آیند.

She has only three dollars.

He only saw her; he did not speak to her.

Only downstairs can one find a real bargain.

قیود دیگر شبیه **only** عبارتند از:

Just, nearby, hardly, almost, scarcely.

مهارت ۶۲: بین **to** و فرم ساده فعل قید قرار ندهید.

He refused to fill out the form completely.

He refused to completely * fill out the form. (غلط)

We hope to inform him quickly.

مهارت ۶۳: فاعل عبارت اصلی باید مشابه فاعل عبارت مقدمه باشد، به عبارت دیگر، عبارت مقدمه، فاعل عبارت اصلی را اصلاح می‌کند.

Looking at his watch, Mr. Jones got up and felt.

چه کسی به ساعت نگاه کرد؟ Mr. Jones

چه کسی بیرون رفت؟ Mr. Jones

Compared to his father, John is a tall man.

When only a child, my father * took me to the circus. (غلط)

چه کسی بچه بود؟ (I)

When only a child, I was taken to the circus by my father. (صحیح)

مهارت ۶۴: اسامی صفتی: کلمه اول در طرح زیر مثل صفت استفاده می‌شود.

You are all language students. (هر دو اسم)

نکات:

(الف) وقتی اسامی مثل صفت استفاده می‌شوند، جمع یا ملکی (S) نباید باشند.

(ب) استثناء: اسامی زیر همیشه S دارند و وقتیکه به عنوان اسامی درس یا علوم بکار می‌روند جمع نیستند.

Physics, mathematics, economics.

He is an economics teacher. (هر دو اسم)

The current economic situation is extremely uncertain. (صفت و اسم)

مهارت ۶۵: گاهی اوقات اسامی به صورت -دار با صفات ترکیبی استفاده می‌شوند. در این حالت اسامی هیچ‌گاه جمع نیستند.

I bought a four-hundred-year-old painting in Hong Kong.

The president gave a ten-minute speech.

He bought a three-hundred-dollars * suit. (غلط) → dollar

مهارت ۶۶: اشاره گرهای **this, that** مفردند و **these, those** جمع هستند.

John does not like this kind of class.

What do you think of these kinds of chairs?

مهارت ۶۷:

۱. Few, fewer, fewest و همچنین many قبل از اسامی قابل شمارش می‌آیند.

There are few students from Japan in our English class.

John has the fewest chapters left to read of anyone in the class.

There are many reasons to study hard for test.

۲. Little, less, least و همچنین much قبل از اسامی غیر قابل شمارش می‌آیند.

He gave me a little advice about choosing a school.

He did the least amount of work of anyone in this class.

There is not much time to finish this job completely.

نکات:

الف: در حالت کلی اسامی جمع قابل شمارش با S- جمع می‌شوند اما فراموش نکنید که کلمات people, men, women, children, police جمع هستند.

ب: مثال‌هایی از اسامی غیر قابل شمارش fruit, homework, bread, money, furniture و time می‌باشند. به آنها S اضافه نکنید.

ج: کلمه news جمع به نظر می‌رسد در حالیکه اسم غیر قابل شمارش است.

Little news is coming from that country.

I do not like many sugar* in my coffee. (much sugar)

د: فصل‌ها اسامی غیر قابل شمارش هستند.

مهارت ۶۸: دو نوع عدد داریم: عدد اصلی شمارشی و ترتیبی

Cardinal: one, two, three, four, five, six, ten, twenty-one

Ordinal: first, second, third, fourth, fifth, sixth, tenth, twenty-first

• اعداد ترتیبی به صورت the+ ordinal+ noun می‌آیند.

The first book of the series is about verbs.

• اعداد شمارشی اصلی به صورت عدد+اسم می‌آیند.

Book one of the series is about verbs.

نکات:

• با اعداد ترتیبی the استفاده کنید.

• با اعداد شمارشی اصلی the استفاده نکنید.

• در هر طرح، ترتیب درست را استفاده کنید.

Do ~~the~~ exercise one in your book.

Pick up your check at window ~~the third~~. (three)

مهارت ۶۹: تشابه like یا the same as

Your car is like mine. (similarity)

Your car is the same as mine. (sameness)

• The same +noun+ as

John is the same height as bill.

Mary is the same age as Valerie.

• As + adjective + as

John is as tall as bill.

Mary is as old as Valerie.

مهارت ۷۰: مقایسه:

- صفات یک بخشه و صفات دو بخشه‌ای که به γ خاتمه می‌یابند با اضافه شدن er مقایسه را شکل می‌دهند.

John is tall, but Bill is taller.

Mr. Smith is busy, but Mr. Brown is busier.

$\gamma \leftarrow i$ بعد er اضافه می‌شود.

- اکثر صفات دو و سه بخشه با اضافه شدن more قبل از صفت مقایسه را شکل می‌دهند.
- Betty is beautiful, but her sister is more beautiful
- بعضی صفات مقایسه نامنظم دارند و باید حفظ شوند مثلاً $good \rightarrow better, bad \rightarrow worse$
- This book is good, but that one is better.
- تنها کلمه ساختاری که می‌تواند بعد از مقایسه‌ها بیاید than است.
- Their problem is worse than your problem.

نکات:

- در یک مقایسه هر دوی er- و more را با هم استفاده نکنید.
- فقط از than بعد از مقایسه استفاده کنید.
- مقایسه را فقط برای دو عنصر استفاده کنید.
- از مقایسه دو چیز غیر مشابه پرهیزید.
- John's salary was much larger than Bob's . (Bob's)
- یک چیز را با خودش مقایسه نکنید.
- Mary is smarter than anybody in her class.
- Anybody شامل خود Mary نیز می‌شود.
- Mary is smarter than anybody else in her class.

مهارت ۷۱: ترین (صفت تفضیلی)

- صفات یک بخشه یا دو بخشه‌ای که با γ ختم می‌شوند با اضافه شدن -est به ترین تبدیل می‌شوند. همیشه در الگوی صفت تفضیلی از the استفاده کنید.

Bob is taller than John, But Bob is the tallest.

- صفات دو و سه بخشه با اضافه شدن most قبل از آنها به تفضیلی تبدیل می‌شوند.
- Susan is more Beautiful than Betty, But Jane is the most beautiful.
- بعضی صفات، حالت تفضیلی نامنظم دارند که باید حفظ شوند. $Good \rightarrow the\ best, bad \rightarrow the\ worst$

نکات:

- همزمان -est و most را استفاده نکنید.
- The را حتماً در ترین استفاده کنید.
- در مقایسه عالی هیچگاه از than استفاده نکنید.
- مقایسه عالی را برای سه یا بیشتر عنصر استفاده کنید.

مهارت ۷۲: علت و نتیجه: عبارات علت و معلولی بصورت زیر بیان می‌شوند.

۱. SO (الف): So+ adjective +that

He was so tired that he fell asleep.

(ب): So + adverb+ that

He reads so slowly that he can never finish his homework.

(ج): So + many or few + count noun +that

She had so many problems that she could not concentrate.

So + much or little+ non-count-noun + that : (د)

They had so little interest in the project that it failed.

Such (الف): such + adjective+ plural count noun+ that ۲

They were such good students that they passed the TOEFL.

such + adjective+ non-count-noun +that:(ب)

It was such good cake that was asked for more.

SO یا SUCH با اسامی مفرد قابل شمارش بصورت زیر استفاده می‌شوند: ۳

So + adjective + a + singular count noun (الف)

He had so bad a headache that he left early.

Such + a+ adjective+ singular count noun+ that : (ب)

He had such a bad headache that he left early.

نکات:

(الف) دقت کنید قبل از اسامی مفرد قابل شمارش a را حذف نکنید.

(ب) الگوی علت-معلولی توسط So/Such مطرح شد برای too یا as استفاده نکنید.

مهارت ۷۳: Too, Vey, enough

۱. Very به معنی درجه زیاد ولی امکان‌پذیر است.

Mary is very intelligent.

۲. Too به معنی درجه غیرممکن و غیر قابل انتظار است.

She is too sick to come to class today.

۳. Enough به معنی درجه کافی و ممکن است.

He is tall enough to play basketball.

(الف) enough را بعد از صفت استفاده کنید.

(ب) بعد از enough شکل to+V را استفاده کنید.

(ج) در الگوهای فوق بجای صفت می‌توان قید استفاده کرد.

(د) enough می‌تواند قبل و بعد از اسم بیاید.

Enough money

Money enough

مهارت ۷۴:

۱ - Not قیدی است که فعل را منفی می‌کند و بصورت‌های زیر استفاده می‌شود.

(الف) Not + V+ ing + کمکی

He is not making any money.

(ب) not + V + کمکی

He does not like to study on the weekends.

(ج) not+ P.P + کمکی

He has not been here for days.

(د) modal+ not+ V

You should not eat too many sweets.

۲ - No صفتی است که غایب بودن چیزی را مشخص می‌کند.

Verb + no+ noun

There is no charge for towels at the pool.

He has no passport.

۳ - None ضمیری است به معنی هیچی. None را وقتی که اسم جایگزینش توضیح داده شده است استفاده کنید.

They asked me to contribute some money but I had none.

None ممکن است به صورت زیر توصیف شود:

None of the noun.

None of the children know how to swim.

۴ - Any را بعد از کلمات منفی استفاده کنید تا غایب بودن کمیت اسامی جمع قابل شمارش و غیر قابل شمارش را بیان کنید.

همچنین anyone, anybody, anywhere, anymore, anything.

I do not have any free time today.

There were not any students from china this year.

He does not go to school anymore.

We did not see anyone leave the building.

۵ - بعضی کلمات معنی منفی دارند هر چند که بصورت غیر منفی ظاهر شوند. مثل hardly, scarcely, rarely, without,

seldom, only. با این کلمات از کلمات منفی دیگر استفاده نکنید.

He had scarcely enough money for the bus.

They went to bed without dinner.

۶ - با قرار دادن not قبل از to+V منفی می‌شود.

She said not to talk during the program.

۷ - عبارت no longer به معنی منفی زمان است و وقتی که longer به معنی زمان باشد نباید not longer استفاده کرد.

They no longer lives here.

نکته: برای بیان ایده منفی از یک کلمه منفی استفاده کنید.

مهارت ۷۵: حال ساده را در عبارات زمان-آینده استفاده کنید. هیچ‌گاه در عبارات زمان-آینده will یا going to استفاده نکنید. عبارات

زمان با کلماتی مثل when, after, while, before, as soon as و غیره شروع می‌شوند.

As soon as they get their degrees, they are going home.

When I see him, I will give him your message.

Whenever you ~~will be~~ in town, call me. (غلط)

Whenever you are in town, call me.

مهارت ۷۶: افعال تقاضا. بعد از افعال زیر برای همه افراد فعل ساده را بکار ببرید.

Demand, recommend, be necessary, insist, urge, be required, require, advise, be essential, suggest, request, be important

و ask هر گاه به معنی درخواست باشد.

The doctor recommended that she have surgery.

I suggest that he be ready on time.

نکته: برای منفی کردن فعل از not استفاده کنید نه don't.

The weatherman suggested that people not use highway v.

مهارت ۷۷: استفاده از wish

۱ - Wish حال ساده در زمان گذشته بیان می‌شود.

Ralph wishes that he had \$ ۱۰۰۰۰۰۰

Mary wishes that she lived in New York.

۲ - برای آرزوهای حال همیشه were برای to be استفاده کنید.

We often wish that we were not so busy.
I often wish that I were in Hawaii.
He has often wished that he were older.

۳ - Wish گذشته در گذشته کامل بیان می‌شوند.

The children wish they had not disobeyed their mother.
Kathy and Bob wish that they had gotten married before she went to Africa.

مهارت ۷۸: افعال کمکی: (modal)

۱ - بعد از همه مدال‌ها حال ساده فعل را استفاده کنید.

Modals: Can, could, must, may, will, should, might, would, shall
They can walk five miles without getting tired.

۲ - بعد از P.P, modal+ have استفاده کنید.

Mr. and Mrs. Smith might have enjoyed the party.

۳ - وقتی که گفتار مستقیم را به غیر مستقیم تغییر می‌دهید would, could, should, might نباید تغییر فرم بدهند.

"You should always do your homework" مستقیم

The teacher said that I should always do my homework. غیر مستقیم

۴ - برای نتیجه‌گیری گذشته فقط از P.P+ must have استفاده کنید.

The ground is wet; it must have rained.

۵ - برای انجام کار در گذشته had+ to + V استفاده کنید.

I had to go to the dentist yesterday.

مهارت ۷۹:

۱ - بعد از افعال زیر می‌توان از V+ to به عنوان مفعول مستقیم استفاده کرد.

Agree, forbid, mean, care, forget, offer, decide, hope, plan, deserve, intend, pretend, fail, learn, and refuse.

They decided to leave early.

He hopes to see them again.

۲ - بعد از افعال زیر می‌توان از فرم V+ing به عنوان مفعول مستقیم استفاده کرد.

Admit, deny, postpone, enjoy, appreciate, practice, avoid, finish, stop, cannot help, keep, suggest, and consider.

She enjoyed meeting them.

I have never considered quitting my job.

۳ - بعد از افعال زیر (حرف اضافه + Verb) می‌توان V+ing استفاده کرد.

Be accustomed to, decide on, plan on, be interested in, get through, put off, be opposed to, keep on, think about, be used to, look forward to, think of.

She was not used to living in a dormitory.

He kept on driving even though he was tired.

۴ - بعد از افعال علتی let, make, have وقتی که فعل دوم فعال است، شکل ساده فعل را استفاده کنید.

The teacher let him leave early.

۵ - بعد از افعال معلولی P.P -have, get استفاده کنید وقتی که فعل دوم معنی مجهول دارد.

They had her passport stamped at the immigration office.

They got their house painted last summer.

۶ - بعد از افعال زیر شکل ساده فعل یا V+ing استفاده کنید.

Feel, see, hear, smell, notice, watch, observe

I heard the baby cry. یا I heard the baby crying.

مهارت ۸۰: ضمائر نسبی who, whom, which, that, whose برای معرفی عبارات نسبی (عبارات توصیفی) استفاده می‌شوند.

۱ - Who و Whom برای افراد استفاده می‌شوند.

I saw the man who is famous for inventing plastic.

Give it to the man whom you already knew.

۲ - Which برای اشیاء بکار می‌رود.

۳ - That هم برای افراد و اشیاء بکار می‌رود.

۴ - Whose برای نمایش مالکیت استفاده می‌شود و می‌تواند بعد از افراد یا اشیاء بیاید.

This is the man whose car was towed away.

Do you know the doctor whose children I teach?

The company did not want to hire a man that his experience was so limited.

Whose

مهارت ۸۱: ضمائر - حالت - شخصی

۱ - ضمائر فاعلی (I, you, he, she, it, we, they) در مکان فاعل و بعد از فعل to be استفاده می‌شوند.

They arrived safely last night.

It was they who knocked on the door last night.

۲ - ضمائر مفعولی (me, you, him, her, it, us, them) به عنوان مفعول فعل استفاده می‌شوند همچنین مفعول حرف اضافه و مفعول +V to.

I told him the news.

Between you and me, the economic situation looks bad.

نکات:

(الف) ضمائر با 's مشابه ضمیری هستند که دنبال می‌کنند.

Let's (let us), you and me, go dancing Friday night.

(ب) ضمائر بعد از اتصال دهنده‌های as و then در صورتی که مثل فاعل عمل کنند باید ضمیر فاعلی باشند.

He is as tall as I (am tall).

(ج) ضمائر انعکاسی برای him و themselves، them و himself، they و themselves است نه himself و theirselves.

مهارت ۸۲: ضمائر who/whom

Who, whoever ضمائر فاعلی هستند.

Whom, whomever ضمائر مفعولی هستند.

۱ - بطور کلی الگوی who و whoever بصورت زیر است.

(الف) who (whoever)+ verb

The woman who sang yesterday has studied voice for years.

Who came to the party?

Give the money to whoever needs it.

(ب) whom(whomever)+ subject +verb

Give it to whomever you like.

۲ - گاهی اوقات عباراتی شبیه "do you know", "we know", "she said", "I think", "who(whoever)" یا whom(whomever) را از فعل یا فاعل و فعل جدا می‌کنند.

He is a student who we believe can do the job.

He is a man whom I feel you can trust.

مهارت ۸۳: ضمایر ملکی: ضمایر ملکی را با (V +ing) استفاده شده مثل یک اسم) استفاده کنید.

I resented their interrupting our conversation.

His swimming is getting a lot better.

ضمایر ملکی عبارتند از: (my, your, his, her, its, our, their, one's). It's ضمیر ملکی نیت و خلاصه it is می باشد.

مهارت ۸۴: ضمایر - مرجع غلط

مرجع یک ضمیر باید بدرستی فهمیده شود.

When Betty was in college, she wrote to her family every week.

As don explained his theory to me, I found it fascinating.

ضمیر باید مرجع داشته باشد.

مهارت ۸۵: مفعول غیر مستقیم: بعضی افعال ممکن است دو مفعول داشته باشند. مفعول مستقیم و غیر مستقیم. در این حالت از

ساختارهای زیر استفاده می‌شود.

۱ - افعالی مثل give, bring, send, offer, pass, tell, take, read, write, teach, sell بصورت زیر استفاده می‌شوند.

My father gives me a gift. (me= direct object(DO), gift= indirect object(IO))

My father often gives a gift to me. (DO+ to+ IO)

۲ - افعالی مثل buy, fix, make, get از ساختارهای زیر استفاده می‌کنند.

John usually buys Mary a gift.

John usually buys a gift for Mary. (DO + for+ IO)

۳ - افعالی مثل explain, announce, describe, deliver, mention, say, report, return فقط از غالب زیر استفاده می‌کنند.

He explained his idea to us. (DO+ to + IO)

۴ - افعالی مثل ask, cost, charge فقط از غالب زیر استفاده می‌کنند.

I asked Mary a question. (IO+ DO)

مهارت ۸۶: ترتیب قیدها

۱ - در حالت کلی قیدها (یا عبارات قیدی) را بعد از فعل یا بعد از مفعول قرار دهید. (فاعل را از فعل یا فعل را از مفعول جدا نکنید. دو الگو عبارتند از:

(الف) قید + فعل + فاعل

He works here.

(ب) قید یا عبارت قیدی + مفعول + فعل + فاعل

He wants to seat soon.

We see them from time to time

۲ - بعضی قیدها می‌توانند قبل از فعل‌های یک کلمه‌ای یا فعل اصلی بیایند.

He promptly left the room.

He was quickly escorted from the room.

۳ - قیدهای تکرار (often, rarely, sometimes, frequently, ever, never, seldom, usually, always,) معمولاً بعد از فعل to be و قبل از فعل تک می‌آیند.

He is never on time.

I often see her.

I had frequently noticed her.

۴ - Still, قبل از فعل تک کلمه و فعل اصلی می‌آید و در جملات منفی قبل از فعل کمکی.

He is still waiting for you.
He still has not answered my question.

۵ - در حالت کلی ابتدا قید مکان و بعد زمان می‌آید.

He went to Europe last summer.

مهارت ۸۷: سوالات درج شده.

۱ - الگوی سوالات درج شده در یک جمله بصورت زیر است:

Question word + subject + verb یا

Question word/Subject + verb

I cannot see what the sign says.
They did not know who bought the car.

۲ - قالب سوال درج شده در سوال مشابه قبل است.

Do you know who he is?

Did he say who called?

۳ - در این الگوها **did, does, do** استفاده نکنید.

I did not understand what ~~did~~ they mean.
Do you know where is John? (John is)
Tell me where they ~~do~~ go after class every day.

مهارت ۸۸: To/For

For + noun phrase

John went to California for a test.

To+ شکل ساده فعل

John went to California to ski.

مهارت ۸۹: یک ضمیر و اسم را به عنوان فاعل استفاده نکنید. یکی کافی است.

مهارت ۹۰: شبه جملات (عبارات)

عبارات مستقل:

۱ - هر جمله باید حداقل یک عبارت مستقل داشته باشد. یک عبارت مستقل باید حداقل یک فاعل و فعل متاهی داشته باشد و مفهوم کاملی داشته باشد.

The president spoke.

Betty made some iced tea.

He is a doctor.

They arrived at ۲:۰۰.

I was there.

۲ - دو عبارت مستقل باید توسط **and, but, or, nor** یا **for** به هم متصل شوند.

He went to the bank, but it was closed.

۳ - یک جمله ممکن است یک یا چند عبارت وابسته داشته باشد که هر کدام باید فاعل و فعل خودش را داشته باشد. یک عبارت وابسته باید به یک عبارت مستقل وصل شود. چون به تنهایی کامل است. سه نوع عبارت مستقل وجود دارد. اسمی، نسبی (صفتی) و قیدی.

(الف) یک عبارت اسمی شبیه یک فاعل یا مفعول عمل می‌کند.

• عبارت درج شده اغلب با **that** معرفی می‌شوند.

That he was a criminal surprised me.

I know that he is from Canada.

• پرسش‌های درج شده با کلمه **wh-** شروع می‌شوند.

I do not know what time the party begins.

(ب) عبارت نسبی شبیه صفت کار می‌کند این عبارات با **who, whom, which, that, whose** شروع می‌شوند.

I do not know the lady who lives next door.

(ج) عبارت قیدی شبیه قید کار می‌کند که با **although, before, after, because, since, while, when, if** شروع می‌شوند.

Before she left, I told her.

Although he tried hard, he did not win the race.

نکات:

(الف) مطمئن شوید که هر عبارت وابسته به یک عبارت مستقل متصل شده است.

(ب) دو عبارت مستقل را فقط نمی‌توان با ، متصل کرد.

مهارت ۹۱: در انگلیسی جملات معلوم رایجتر از جملات مجهول هستند.

۱ - جمله مجهول وقتی که فاعل ناشناخته است، استفاده می‌شود.

۲ - هنگام بحث تاریخ اغلب جمله مجهول استفاده می‌شود.

۳ - وقتی که فاعل مهمتر از فعل است از جمله معلوم استفاده کنید.

۴ - از استفاده همزمان معلوم و مجهول در یک جمله اجتناب کنید.

۵ - در صورت امکان بجای دو فعل یک فعل استفاده کنید.

مهارت ۹۲: موازات: عناصر متوالی باید موازی باشند یعنی گرامر مشابه داشته باشند.

(الف) اسامی: **he likes music, art, and history**

(ب) **he likes swimming, dancing, and horseback riding : V+ ing**

(ج) صفات: **he is tall, dark, and handsome**

(د) **to + V**: **they wanted to paint the living room, to lay a new carpet, and to buy a new sofa**

ممکن است **to** در تکرار دوم به بعد حذف شود.

(ه) گذشته: **the Romans conquered, colonized, and governed much of the world**

(و) گذشته کامل: **he had finished the game, had taken a shower, and had eaten lunch by the time**

I got to his house

Had ممکن است در عبارت دوم به بعد حذف شود.

عبارات متصل با **and, but, or, as, than, although** باید شکل گرامری مشابه داشته باشند.

مهارت ۹۳: قانون کلی در انگلیسی این است "کمتر (کوتاهتر) بهتر" هر چه کلمات کمتری برای بیان موضوع استفاده شود بهتر است.

مهارت ۹۴: بعضی کلمات یا عبارات در انگلیسی قابل پذیرش نیستند.

۱ - از **Ain't** نباید برای منفی کردن **to be** استفاده کرد.

John is not here.

۲ - **Anywheres, nowheres, somewheres** شکل غلط **anywhere, nowhere, somewhere** می‌باشند.

I cannot find him anywhere.

Mary put her purse somewhere.

۳ - **Alright** شکل غلط **all right** می‌باشد.

Do you feel all right?

۴ - Kind of a, sort of a شکل نادرست kind of, sort of است (a غیر لازم و غلط است).

That is a kind of plant that grows in Africa.

John is the sort of man who worries about other people.

۵ - Mad نباید به معنی angry استفاده شود. (Mad یعنی احمق)

The teacher was very angry with John.

۶ - Off of شکل نادرست off است.

The couple stepped off the bus.

۷ - Suspicion یک اسم است و نمی‌تواند به عنوان فعل استفاده شود. شکل درست فعل suspect است.

Mary suspects that her assistant may be stealing from her.

۸ - Reason is that شکل نادرست reason is that است.

The reason that John cannot attend the meeting is that he is sick.

۹ - Is when و Is where روش نادرست تعریف معنی یک اسم است.

"to imitate" means "to act the same way as someone else".

۱۰ - Different than شکل نادرست different from است.

John is different from his father.

مهارت ۹۵: بعضی کلمات معنی مشابه دارند ولی نمی‌توانند بجای هم استفاده شوند و باید بر اساس شرایط گرامری انتخاب شوند.

۱ - Between/ Among

Between بین دو فرد یا چیز استفاده می‌شود.

I cannot decide between these two blouses.

Among بین سه یا بیشتر فرد یا چیز استفاده می‌شود.

He was standing among several students.

۲ - Amount/ number

Amount با اسامی مفرد غیر قابل شمارش استفاده می‌شود.

He has a large amount of money.

Number با اسامی قابل شمارش استفاده می‌شود.

She has a large number of children.

۳ - In/into

In برای افعال بدون حرکت استفاده می‌شود.

He is waiting in the kitchen

Into برای افعال متحرک استفاده می‌شود.

He ran into the kitchen.

۴ - Sit/set

Sit نمی‌تواند مفعول بگیری. Sit عملی را که فاعل انجام می‌دهد مشخص می‌کند.

He sits by the window.

Set باید مفعول داشته باشد. Set عمل را که فرد روی چیزی یا دیگری انجام می‌دهد مشخص می‌کند.

Do not set your glass on the piano.

۵ - Lie/lay

Lie نمی‌تواند مفعول داشته باشد. (lie, lay, lain)

John lies on his bed for a few minutes after lunch every day.

Lay باید یک مفعول داشته باشد (laid, laid, lay)

You should lay the tiles very evenly.

۶ - Rise/raise

Rise نمی‌تواند مفعول داشته باشد (rise, rose, risen)

The sun rose at seven yesterday.

Raise باید مفعول داشته باشد. (raise, raised, raised)

Please raise the window a little

Learn/teach – ۷

Learn فعلی است که بعد از آن مستقیماً to+V به عنوان مفعول می‌تواند بیاید.

She learned to speak French.

Teach مثل learn است ولی to +V باید فاعل خودش را داشته باشد.

I taught John to speak French.

Can/may – ۸

Can فعلی است که به معنی توانایی است.

Mary can speak French.

May فعلی است که به معنی اجازه دادن است.

May I leave now?

Hang/hung – ۹

Hang برای افراد و hung برای اشیاء است.

The murderer was hanged by the neck until dead.

مهارت ۹۶: کلماتی که اغلب باعث گیجی می‌شوند.

۱. Accept/except

• Accept = پذیرش

The club accepted three new members.

• Except = استثناء

The boy excepted John from their club.

Except همچنین به معنی with the exception of بصورت حرف اضافه استفاده می‌شود.

Everybody except Jane went to the party.

۲. Advice/advise

• Advice اسم است و advise فعل.

The doctor advised her to quit smoking.

He gave me some good advice.

۳. All ready/already

• All ready صفتی است با معنی کاملاً آماده.

We were all ready to leave at eight o'clock.

• Already قید زمان است قبل یا همزمان با یک زمان خاص.

They had already left at five O'clock.

۴. All together/ altogether

• Altogether قیدی است با معنی کاملاً.

I am altogether tired.

• All together عبارتی توصیفی است به معنی در یک گروه.

The children are all together now and ready to go to the park.

۵. Beside/besides

• besides حرف اضافه به معنی بجز است.

Everyone besides John went to the party.

- حرف اضافه beside به معنی در کنار است.

John was standing beside me.

۶. Cloth/clothes

- Cloth اسمی (که معمولاً اسمی غیر قابل شمارش است) به معنی ماده یا ماده سازنده است.

She bought some white cloth to make a wedding dress.

- Clothes یک اسم قابل شمارش است به معنی پوشش بدن.

Beautiful clothes are usually expensive.

۷. Desert/dessert

- Desert به معنی صحرا است

A large percentage of the world's surface is a desert where very little grows.

- Dessert به معنی دسر غذا است.

We had apple pie and ice cream for dessert.

۸. Differ from/differ with

- Differ from به معنی عدم تشابه با می‌باشد.

Men differ physically from Women.

- Differ with به معنی عدم تطابق با می‌باشد.

I differ with you on this issue.

۹. Emigrate/immigrate

- Emigrate به معنی ترک یک کشور، و زندگی در کشور دیگر است.

- Immigrate به معنی حرکت به کشور جدید است.

۱۰. Farther/further

- Farther به معنی فاصله دورتر است.

We have to drive a few miles farther.

- Further به معنی دورتر در زمان، درجه یا کمیت است.

Let us consider this problem further. (زمان)

We should do further research on this matter. (کمیت)

Be careful not to excite the children further. (درجه)

مهارت ۹۷: گروه دوم کلمات گیج کننده:

۱. Formally/formerly

- Formally به معنی به روشی فرم دار می‌باشد.

The meeting was conducted very formally.

- Formerly به معنی قبلی می‌باشد.

June was formerly a member of that club.

۲. Healthful/healthy

- Healthful به معنی سالم (مفید برای سلامتی) است.

Vegetables are healthful foods.

- Healthy به معنی شرایط سالم است.

All of his children are healthy.

۳. Illusion/allusion

- Illusion به معنی ایده غلط یا تصویر غیرواقعی است.

The magician created the illusion that he was flying through the air.

- Allusion به معنی مرجع غیر مستقیم است.

The professor made an allusion to Greek Mythology.

۴. Imply/infer

- Imply به معنی اشاره کردن است. فقط گوینده یا نویسنده می‌تواند اشاره کند.

Susan implied that she was not happy with her job.

- Infer ایجاد یک نتیجه است. فقط شنونده یا خواننده می‌تواند استنتاج ایجاد کند.

I inferred from her letter that Susan was not happy with her job.

۵. Its/it's

- Its ضمیر ملکی برای اشیاء است.

The tree lost its leaves when the weather turned cold.

- It's خلاصه it is می‌باشد.

It's a nice day today.

۶. Leave/let

- To leave به معنی دور شدن از می‌باشد:

He leaves school at three O'clock every day.

- To let به معنی اجازه دادن است.

John let me barrow his car.

۷. Loose/lose

- Loose صفتی به معنی شل می‌باشد.

This blouse is too loose. I need a smaller size.

- To lose به معنی از دست دادن است.

I often lose my car keys.

۸. Most/almost

- Most صفتی عالی است برای افراد و اشیاء.

Most coffee comes from Brazil.

Most people like ice cream.

- Almost قیدی به معنی کمی کمتر از، خیلی نزدیک، نه کاملاً می‌باشد.

Almost all the students are here.

He is almost ready to leave.

۹. Plane/plain

- اسم Plane معمولاً به معنی فرودگاه است.

His plane will arrive in Chicago at nine O'clock.

- صفت plain به معنی ساده، بدون دکور است.

Her dress was very plain.

۱۰. Principal/principle

- صفت principal به معنی خیلی مهم است. اسم principal به معنی سردفتر (مدیر مدرسه) است.

The principal reason for his failure was his lack of interest in his job.

- اسم principle به معنی حقیقت پایه (مفاهیم) است.

He is studying the principles of accounting.

۱۱. Quiet/quite

- صفتی Quiet به معنی سالم و بدون نویز است.

It was a very quiet party.

- قیدی Quite به معنی کاملاً یا درجه است.

He is quite tall.

مهارت ۹۸: گروه سوم کلمات گیج کننده

۱. Respectfully/respectively

- Respectfully به معنی به نسبت می‌باشد.
- Respectively به معنی به ترتیب است.

۲. So/ so that

- So اتصال دهنده‌ای است که عبارت نتیجه را به عبارت اصلی وصل می‌کند.
It rained a lot that year, so there were lots of wild flowers to enjoy.
- So that عبارت هدف را به عبارت اصلی وصل می‌کند.
We wore raincoats so that we could not get our clothes wet.

۳. Stationary/stationery

- Stationary به معنی مکانی ثابت است.
The only time most children are stationary is when they are asleep.
- Stationery به معنی لوازم التحریر است.
That stationery store sells fancy writing paper and envelopes.

۴. Their/ there/ they're

- Their ضمیر ملکی است.
- There قید مکان و به معنی وجود داشتن است.
- They're به معنی they are است.

۵. To/too/two

- To با فعل می‌آید و همچنین یک حرف اضافه است.
I like to walk in the rain.
I walked to the store.
- Too قیدی است که زیادی را بیان می‌کند.
It is too hot today to study.
- Two یک عدد است.
I have two children, John and Greg.

مهارت ۹۹: توافق فعل و فاعل

فاعل فرد + فعل فرد

فاعل جمع + فعل جمع

- فاعل‌ها در عبارات حرف اضافه هیچ‌گاه پیدا نمی‌شوند.
- There و here فاعل نیستند.
- عباراتی که با along with, besides, like, as well as, including می‌آیند، فاعل نزدیکتر به فعل تعداد را مشخص می‌کنند.
Mr. Jones along with his wife and six children is going to Paris.
- فاعلهایی که با either... or یا neither... nor می‌آیند، فاعل نزدیکتر به فعل تعداد را مشخص می‌کند.
Neither Mary nor her sisters are going to the party.
- فاعل عبارات نسبی which, who, that بر اساس اجدادشان فرد یا جمع هستند.
The students who come to class every day generally progress rapidly.
Bob is the only one of my friends who is helping me painting my house.

مهارت ۱۰۰: بعضی کلمات بر اساس پسوندشان، اسم، صفت، قید یا فعل هستند.

- پسوندهای زیر معمولاً مشخص کننده فعل هستند.

✓ -ify beautify

✓ -ate	populate	
✓ -ize	realize	
		• پسوندهای زیر معمولاً مشخص کننده اسم هستند.
✓ -ion, -sion, -tion	population	
✓ -acy	accuracy	
✓ -age	image	
✓ -ance, -ence	permanence	
✓ -hood	childhood	
✓ -ar, -or	scholar, doctor	
✓ -ism	socialism	
✓ -ist	artist	
✓ -ment	government	
✓ -ness	happiness	
✓ -y	beauty	
✓ -ty	reality, capacity	
		• پسوند زیر معمولاً تعیین کننده قید است.
✓ -ly	happily, readily, beautifully	
		• پسوندهای زیر معمولاً مشخص کننده صفت هستند.
✓ -al	natural	
✓ -ful	beautiful	
✓ -ly	friendly	
✓ -ic	chronic	
✓ -ish	childish	
✓ -like	childlike	
✓ -ous	populous, numerous	
✓ -y	happy	
✓ -ate	accurate	
✓ -able, ible	capable, terrible	

مهارت ۱۰۱: حرف اضافه معمولاً برای نمایش رابطه بین کلمات و مفعول استفاده می‌شود.

۱. مکان (in, on, under, over, ...)

Your book is in the desk drawer.

۲. جهت (to, toward, into, ...)

The student ran into the room.

۳. زمان (in, on, at, ...)

We can meet at three O'clock.

۴. عامل (by)

This book was written by an elderly woman.

۵. وسیله (by, with)

I heard the news by telephone.

اسم by+ را برای ارتباطات و حمل و نقل استفاده کنید.

By phone, by radio, by telegram, by train, by car, by boat

۶. مشایعت (with)

They like spaghetti with red sauce.

۷. هدف (for)

He went to the store for bread.

نکته: هیچ‌گاه for+V+ing را برای بیان هدف فعل استفاده نکنید.

۸. اندازه (by, of)

We buy our rice by the pound.

Please buy a quart of milk.

۹. بخش/ملکیت (of)

He broke the top of the table.

۱۰. شباهت (like)

John looks like his father.

۱۱. ظرفیت (as)

Bill worked as a lifeguard this summer.

مهارت ۱۰۲: حروف اضافه بصورت ترکیبی

۱. افعال زیر با ترکیب حرف اضافه همیشه با هم می‌آیند.

Agree on (شیء), agree with (فرد), approve of, arrive at یا in, complain about, consent to, comment on, consist of, depend on, laugh at, object to, succeed in.

۲. بعضی افعال به اضافه حرف اضافه دو مفعول می‌گیرند.

Compare ... with یا to ..., Excuse ... For, prefer.... To ..., remind ... of ..., thank... for....

۳. تعداد زیادی صفت به علاوه ترکیب حرف اضافه با فعل to be می‌آیند.

Be aware of, be bored with, be certain of, be disappointed with, be familiar with, be famous of, be frightened by, be happy with, be in favor of, be interested in, be opposed to, be satisfied in, be surprised at یا by, be tired of, be worried about.

۴. بعضی حروف اضافه در عبارت ثابت هستند.

According to, along with, as well as, because of, by means of, by way of, in addition to, in case of, in consideration of, in contrast to یا with, in difference to, in hopes of, in lieu of, in pursuit of, in search of, in spite of, in the face of, I terms of

Saeidi_reza@yahoo.com